

## شکر کردن خدا برای روزهای خوب و برای روزهای بد

زیرا که یهوه خدایتان شما را به سرزمینی نیکو می‌آورد، سرزمینی آکنده از نهرهای آب و چشمه‌ها و آبهای زیرزمینی که در دره‌ها و کوهها روان می‌شود، 8 سرزمینی انباشته از گندم و جو و درخت مو و انجیر و انار و روغن زیتون و عسل؛ 9 سرزمینی که در آن نان را به تنگدستی نخواهید خورد و به چیزی محتاج نخواهید شد؛ سرزمینی که سنگهای آهن است، و از کوههایش مس خواهید گند . 10 پس خورده، سیر خواهید شد و یهوه خدای خویش را به جهت سرزمین نیکویی که به شما بخشیده است، متبارک خواهید خواند.



«11 پس به هوش باشید مبدا یهوه خدای خویش را فراموش کنید و فرمانها و قوانین و فرایض او را که من امروز به

شما امر می‌فرمایم، نگاه ندارید 12. مبدا چون خورده، سیر شوید، و خانه‌های نیکو ساخته، در آنها ساکن گردید، 13 و رمه و گله شما فزونی یافته، بر سیم و زرتان افزوده شود، و اموالتان افزون گردد، 14 آنگاه دل شما مغرور شده، یهوه خدای خود را که شما را از سرزمین مصر، از آن خانه بندگی، بیرون آورد فراموش کنید، 15 او را که شما را در بیابانی بزرگ و هولناک که در آن مارهای آتشین و عقربها و زمین خشک و بی‌آب بود، رهبری کرد، و برای شما از دل سنگ خارا آب بیرون آورد، 16 که خوراک من را در بیابان به شما خوراند که پدرانانتان نشناخته بودند، تا شما را خوار و زبون ساخته، بیازماید و در آخر بر شما احسان کند 17. به هوش باشید که مبدا در دل خود بگوید، ”نیروی من و قوت دست من این توانگری را برایم فراهم آورده است 18.“ بلکه یهوه خدای خود را به یاد آرید، زیرا اوست که به شما نیرو می‌بخشد تا توانگری حاصل کنید، و تا به عهد خویش که برای پدرانانتان سوگند خورد وفا کند، چنانکه امروز شده است.

در کلیسای جامع شارتر در فرانسه، یک موزاییک از پیامبران عهد عتیق اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال که مانند قهرمان ها در مرکز کلیسا ایستاده اند وجود دارد. اگر دقیق‌تر نگاه کنید، می‌توانید نویسنده های انجیل ها متی، مرقس، لوقا و یوحنا را ببینید که مانند کوتوله‌ها بر روی شانه‌های پیامبران می‌ایستند. سازنده ی آن می خواست آشکار کند که رسولان عیسی را نمی توان جدا از کتاب مقدس دید بلکه در بستر تاریخی نجات خدا. بدون این داستان از عهد عتیق آنها اصلا وجود ندارند. اگر در مورد رسولان عیسی اینطور باشد، چهقدر بیشتر در مورد ما که اکنون زندگی می کنیم صدق می کند؟ به طور معمول ما انسان ها فکر می کنیم که زندگی ما در اینجا و اکنون معیار سنجش برای کل تاریخ است. ما فکر می کنیم که سبک زندگی مدرن برای همه صدق می کند. اما این درست نیست. زمان هایی بوده که با زمان ما فرق داشته است. نه تنها زمان های خوب، بلکه زمان های بدی نیز وجود داشتند. و به خصوص در روزهای بد، مردم با اشک های تلخ پایه ها را برای آینده بنا کردند. و به همین دلیل است که ما می توانیم امروز زندگی کنیم. ما انسان های امروزی مهم ترین و درخشان ترین نیستیم، اما تاریخی طولانی داریم. و قبل از ما افرادی بودند که ما را شکل دادند و تأثیر گذاشتند. اما نه تنها این مهم نیست که ما به نسل ها و زمان های قبل احترام بگذاریم خیلی مهمتر از آن این است که ما تاریخ قبل را به عنوان تاریخ خدا ببینیم. خدا ما را ساخته است! خداوند نیز افراد زیادی را بر سر راه ما قرار داده تا ما همانی شویم که امروز هستیم. این داستان خدا با ماست! قبل از اینکه قوم اسرائیل به سرزمین موعود رفته باشند، بایستی این موضوع را به آنها یادآوری می کردند. و موسی به همین منظور سخنرانی طولانی خود را انجام داد. موسی می خواست به تاریخ نگاه کند و به قوم اسرائیل یادآوری کند که خدا در گذشته با آنها بوده. اتفاقی که برای اسرائیل افتاده بود فقط تصادفی نبود. نه، این خدا بود که بنی اسرائیل را از صحرا هدایت کرد. این خدا بود که همه چیز را مقرر کرد و هنوز هم همین کار را انجام می دهد. امروز روز شکرگزاری را جشن می گیریم. و شکرگزاری برای ماست که دقیقاً همان کاری را انجام می دهیم که قوم اسرائیل در گذشته انجام دادند. یعنی: به گذشته نگاه می کنیم. خدا را شکر می کنیم که ما را به همین شکل آفریده است. ما همچنین خدا را شکر می کنیم که ما را از موقعیت های خطرناک نجات داده است. ما همچنین از پدر و مادر و اجدادمان تشکر می کنیم. شکر می کنیم که خداوند به ما عنایت کرده تا بتوانیم زندگی کنیم. اما ما نمی خواهیم فقط

به چیزهای خوب فکر کنیم، بلکه می‌خواهیم به چیزهای بد نیز فکر کنیم. هنگامی که موسی با قوم اسرائیل صحبت می‌کرد، این جنبه‌های بد را یادآوری کرد. موسی عمداً می‌خواست سرگردانی در بیابان را به ذهن مردمش بیآورد. چیزهای خطرناک مثل مار و عقرب زیاد در آن زمان بود قحطی و تشنگی هم بود. مطمئناً فکر به این چیزها برای اسرائیلی‌ها همیشه آسان نبود. فقط نه به این دلیل که روزهای سختی بود، همچنین به این دلیل که بنی‌اسرائیل بارها و بارها به دلیل تقصیر خودشان در این وضعیت وحشتناک قرار می‌گرفتند. آنها بایستی آن را به یاد خودشان بیاورند تا دوباره همان اشتباه را تکرار نکنند. در این روز شکرگزاری، ما می‌خواهیم همین کار را انجام دهیم و به تاریخ فکر می‌کنیم. ما متوجه می‌شویم که گناه ما نیز بخشی از واقعیت امروز است. هم در زندگی شخصی و هم در تاریخ بزرگ مردم، بارها و بارها می‌بینیم که اشتباهات، کوتاهی‌ها و گناه بزرگ وجود داشته‌اند. این چیزها زمان حال را شکل می‌دهند و تعیین می‌کنند. گاهی به نظر می‌رسد تاریخ دارای قدرتی است که قابل تغییر نیست. ما نمی‌توانیم به سادگی بگوییم: «این گذشته بود و بنابراین دیگر برای امروز صدق نمی‌کند!» افرادی را که در جنگ فاجعه‌بار و ناعادلانه جان خود را از دست داده‌اند، به سادگی نمی‌توان برگرداند. ما نمی‌توانیم آن بخش طاقت‌فرسا را از خود دریغ کنیم. به علاوه هر کدام از ما داستان سرگردانی خود در کویر را می‌شناسیم. تقصیرهای خودمان، جلوی پایمان قرار دارند. آنها ما را منع می‌کنند تا نتوانیم آینده را ببینیم. بنی اسرائیل آن شریط را می‌دانستند. به یاد کویر پیمایی افتادند که در آن چیزی جز شن نبود. نه آب و نه غذا. و در چنین زمانی معلوم بود که مرگ پیش می‌آید. اما دقیقاً در چنین وقتی بود که بارها و بارها مشخص شد که خداوند مردم را به حال خودشان تنها نگذاشته. نه، خدا همیشه کسی است که وارد تاریخ بشر می‌شود. وقتی مردم از روی تکبر و غرور تصمیم گرفتند که خدا دیگر وجود نداشته باشد و به همین دلیل خدایان دیگری برای خود ساختند، او در ابتدا آن را اجازه داد. اگرچه او به مردم این آزادی را داد، آنها مجبور نبودند عواقب آن اشتباهات را برای همیشه تحمل کنند. خدا در تاریخ دخالت می‌کرد و بنابراین مردم را نجات می‌داد. یک بار خداوند به طور معجزه آسایی نان را از بهشت باراند. قوم اسرائیل نیز باید این نجات شگفت‌انگیز در بیابان را برای همیشه به یاد داشته باشند و در مورد آن صحبت کنند. اما نبایستی فقط از نانی که از بهشت نازل شده صحبت کنند، بلکه بایستی به یاد داشته باشند که انسان نه تنها برای زنده ماندن به نان نیاز دارد، بلکه مهمتر از همه به نان دهنده نیاز دارند. ما انسانها به خدا نیاز داریم. در پیشگاه خداوند قلب انسان باز می‌شود. در رابطه با خدا فقط می‌توان معنای زندگی را فهمید. با نگاه به خدا معلوم است که انسان در هنگام بحران و نیاز همچنان هدف و آینده دارد. خدا در گذشته می‌خواست و الان هم می‌خواهد با ما انسان‌ها رابطه داشته باشد. و تنها از این طریق می‌توانیم از خود خلاص شویم و هدف بزرگ تاریخ جهان را درک کنیم. خدا می‌خواهد بخشی از تاریخ ما باشد. در باغ عدن، زمانی که خدا با آدم و حوا راه می‌رفت، چنین بود. و همینطور تا امروز باقی مانده است. خدا می‌خواهد با تو باشد. و او می‌خواهد چیزی جدید از جایی که امیدی نیست خلق کند! بنابراین ما می‌توانیم با تمام تاریخ سرنوشت ساز

دل‌سردانه مان در برابر خداوند بایستیم. به درگاه خدا فریاد بزن! حتی پیش خدا گریه کن! حتی جیغ بزن... به شرط این که کارها را جلوی او انجام دهی و تنها پیش خودت نمانی. زیرا در غیر این صورت ممکن است تو نیز مانند بنی اسرائیل در رفاه و با شکم پر فراموش کنی که به خدا نیاز داری. این یک کویر نوردی واقعی خواهد بود. کویر پیمایی بدون خدا بدون دعا! بدون احساس! رسولان متی، مرقس، لوقا و یوحنا همگی از عیسی مسیح به عنوان نان زنده واقعی صحبت می‌کردند. این عیسی بود که تمام ناامیدی مردم را شفا داد. اوست که به ما می‌آموزد که دعا کنیم: «پدر!» اوست که با قدرت خلاق به ما می‌فرماید: «این بدن من است... برای تو» و «این خون من است... برای تو!» این خدای تو برای توست! و نه تنها برای تو، بلکه در کنار توست! آمین